

در باره‌ی میراث دانشگاه خوارزمی و پیش رو بودن در بهره‌گیری از موزه‌ها در نظام آموزشی

دراهمیت موزه‌های شدن



رضا دبیری‌نژاد

کارشناس موزه‌داری

با تجربه‌ی زیسته‌ی این شهر و شهروندان آن پیوند خورده است، لایه‌ای دیگر از موزه شکل می‌گیرد. به اعتبار روایت‌ها و تصاویری که در تاریخ این شهر جای گرفته است، این نهاد آموزشی فراتر از جامعه‌ی دانشگاهی برای شهروندان تهران دارای ارزش و حساسیت است، از این رو میراث دیگر نهفته در دانشگاه خوارزمی نقش حیات اجتماعی آن در شهر تهران است.

با نگاه به دانشگاه خوارزمی از منظر فرهنگی و میراثی، ارزش‌هایی در آن یافت می‌شود که هم برای این نهاد و هم جامعه‌ی ایران واجد اعتبار است، اعتبارهایی نهفته و پنهان که باید ضمن حفظ و نگهداری شایسته، به‌درستی نیز به جامعه‌ی کنونی و آیندگان عرضه شود. جامعه حق دارد از سرمایه‌ها و ارزش‌های خود بهره‌ی مطلوب را ببرد. برای پاسخ‌گویی به این نیاز به نظام نگه‌داری و عرضه‌ی عمومی‌ست که موزه دانشگاه خوارزمی شکل گرفته است و موزه‌ای شدن فرایندی مستمر است که می‌تواند به‌عنوان یک برنامه در دانشگاه خوارزمی پی‌گیری شود. موزه‌ای شدن نه تنها سرمایه‌ها و میراث‌های دانشگاه را شناسایی می‌کند بلکه آن‌ها را به یک نظام تبدیل می‌سازد. موزه‌ای شدن امکان دسترسی و بهره‌برداری امروزی را از سرمایه‌های تاریخی و فرهنگی فراهم می‌سازد و در واقع موزه‌ای شدن می‌تواند یک ارزش افزوده باشد. هرچه جنبه‌های روایی و زاویه‌ی نگاه یک موزه افزایش می‌یابد، بر غنای شبکه حاصل از تلاقی ارزش‌های مورد اشاره افزوده می‌شود، شبکه‌ای که فرصت‌های بیش‌تر و بیش‌تری برای موزه و صاحبان موزه پدید می‌آورد.

دانشگاه خوارزمی به دلیل تجربه‌های پیشینی و نقش‌های چندگانه‌ای که طی کرده در جایگاه این تلاقی و جوجه قرار دارد اما همه‌ی جنبه‌ها به آن موارد نام‌برده ختم نمی‌شود و باید یک جنبه‌ی دیگر را نیز به آن‌ها افزود. هنگام سخن گفتن از یک موزه‌ی دانشگاهی، باید توجه داشت که موزه می‌بایست در خدمت نظام دانشگاهی نیز باشد و بتواند در چرخه‌ی کارکردی دانشگاه فعالیت کند. بر همین اساس است که موزه دانشگاهی وجهی معاصر نیز می‌یابد. در همین راستا توقع می‌رود موزه‌های دانشگاهی رویکرد علمی چشم‌گیرتری داشته باشند و در این رویکرد بتوانند باگفتن‌های روز دانش‌ها، خود را هم‌راه کنند. چنین است که فرایند موزه‌ای شدن در دانشگاه خوارزمی، می‌بایست بیان‌گفتمان‌های مرتبط با نظام دانشگاهی را نیز مورد توجه و اهتمام خود قرار دهد و موزه به یک فرصت آموزشی تبدیل شود. البته نباید فراموش کرد همان‌گونه که کثرت جنبه‌ها و روایت‌ها فرصت می‌سازد، می‌تواند چالش‌آفرین نیز باشد، اما قدرت یک موزه‌ی دانشگاهی در این است که چالش‌ها را به یک مسئله در نظام علمی تبدیل کند و برای رفع آن کوشش کند نه آن‌که سعی در حذف و نادیده‌انگاشتن نگاه‌های منتقدانه یا چالش‌ها کند. قدرت و جذابیت موزه‌های دانشگاهی در جسارت مواجهه با همین جنبه‌هاست اگرچه موزه خود حجابی بر نگاه علمی خواهد شد.

دانشگاه خوارزمی همان‌گونه که در سیر تاریخی خود در نظام آموزشی ایران برجسته بوده است، می‌تواند با ایجاد این موزه در بهره‌گیری از موزه‌ها در نظام آموزشی نیز پیش‌رو شود و راه را بر تجربه‌های تازه و متفاوت بگشاید. درون دانشگاه خوارزمی موزه‌ای پنهان و پراکنده نهفته است که موزه‌ای شدن می‌تواند روند عیان‌کردن این میراث سترگ ناپیدا باشد.

موزه‌ها محل ارزش‌ها و اعتبار هستند و موزه‌ای شدن حاصل برجسته‌شدن یک ارزش است تا موزه‌ای پدید آید. اما ارزش‌ها ثابت نیستند و پدیده‌ها تنها یک جنبه و یک ارزش ندارند تا فقط مبنای یک موزه و یک اعتبار باشند. امروزه توسعه‌ی موزه‌ها به سمت تلاقی اعتبارها پیش رفته است، به‌گونه‌ای که در جهان کنونی موزه‌ها را می‌توان کارخانه‌ی اعتبارسازی و اعتبارنمایی نامید. هر موزه کشف دوباره‌ی یک پدیده و گذاشتن آن در معرض تماشاست و این در معرض قرارگرفتن سبب طرح پرسش‌هایی می‌شود و از دل وجود پدیده اعم از گذشته و امروز، می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد و در حقیقت همین پاسخ‌ها هستند که اعتبار و ارزش‌ها را می‌سازند. از این رو نسبت موزه و پدیده‌ها دوسویه است، این‌که جنبه‌ها و اعتبارهایی را از دل پدیده‌ها بجوییم تا به موزه برسیم یا از موزه پدیده‌ای اعتباری ایجاد کنیم دوگونه مواجهه با موزه است.

بر همین مبنا چنان‌چه به دانشگاه خوارزمی به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های دیرپای کشور بپردازیم، درمی‌یابیم که این دانشگاه یک دانشگاه صرف و معمولی و چندلایه نیست بلکه وجوه آن در برخی موارد فراتر از دیگر دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد. این نهاد دانشگاهی از یک سو به دلیل جنبه‌های تاریخی صاحب ارزش است. و از سوی دیگر ریشه در تاریخ آموزش معلمان متوسطه دارد و در واقعیت به‌عنوان دانشگاهی برای پرورش جامعه‌ی معلمان کشور ایفای نقش می‌کرده است و هم از این رو تمام سوابق آموزش عالی جدید و سیر تدریس نوین را در خود دارد. این‌گونه است که در دانشگاه خوارزمی یک میراث غیرمادی نهفته است که با شکل‌گیری ارکان فرهنگ و دانش معاصر ایران پیوندی عمیق و وسیع دارد و اگر قرار است از نظام تعلیم و تربیت صحبت شود، نمی‌توان این نهاد را نادیده انگاشت. بر همین اساس یک لایه از موزه‌ی دانشگاه خوارزمی به پیشینی نهادهایی مانند دارالمعلمین مرکزی (تاسیس ۱۲۹۷ خ) و دارالمعلمین عالی (۱۳۰۷ خ) و دانشسرای عالی (۱۳۱۲ خ) مرتبط می‌شود که خود یک شبکه را شکل می‌دهند، و آن‌ها را تا روزگار پیش از دانشگاه می‌توان پی‌گرفت. بر همین پایه است که این دانشگاه به خاطر هی جمعی بخشی از فرهنگیان کشور تبدیل می‌شود و هر کدام بخشی از گذشته و هویت خود را در آن می‌بینند و می‌جویند. از سوی دیگر دانشگاه خوارزمی دارای یک سابقه‌ی دانشگاهی نیز هست که وقتی به میراث دانشگاهی آن اشاره می‌شود به دانشگاه تربیت معلم پیوند می‌خورد، بر همین اساس می‌توان دانشگاه خوارزمی را محل تلاقی دو نظام قلمداد کرد، جایی که نظام آموزش عالی با نظام معلمی و تربیت دبیر پیوند می‌خورد و این‌جا و این موزه میراث مشترکی برای هر دو است.

از سوی دیگر دانشگاه خوارزمی دارای میراث مادی ارزشمندی هم هست. میراث‌های منقول و غیرمنقولی مرتبط با این دانشگاه که برای آن سرمایه‌ی فرهنگی سترگی است. اما اگر از این میراث مادی با کاربرد پیشینی آن‌ها فراتر برویم و در نظر بیاوریم که حیات دانشگاه خوارزمی و میراث‌های مادی آن هم چون انبیه‌ی تاریخی این نهاد امروزه بخشی از هویت شهری تهران است که